

از : فرزاده عقیلی

مقدمه

## تاریخ بیداری ایرانیان

از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۲۶۴ صفحه به قطع وزیری

بها ۴۰۰ ریال

تاریخ بیداری ایرانیان از جمله کتابهای خوب و معتبر است که از آغاز انتشار (سال ۱۳۲۸ قمری) مورد توجه و استناد محققان و مورخان قرار گرفته است .

مؤلف کتاب میرزا محمد کرمانی (ناظم الاسلام بعد) پسر هلی است که به گاه تازه جوانی در زادگاه خویش - کرمان - از اندیشه و افکار بلند میرزا عبدالحسین بردسیری معروف به میرزا آقاخان کرمانی و بعضی از علمای بزرگ بهره‌ها یافته ، از آن پس به شوق کسب دانش بیشتر به تهران روی آورده و حسن اتفاق را به تلمذ در محضر عالمانی روشن بین چون میرزا ابوالحسن جلوه ، حاج میرزا حسن آشتیانی ، و حاج شیخ هادی نجم آبادی نیز کامیاب شده است .

کسب فیض از محضر چنین استادان کامل و بارع در پرورش فکر و اندیشه او اثر بسیار بجا نهاده و به همین سبب از گمراهی و کجروی و سوء جوئیهای مادی و غرض ورزی و ستایشگریهای نا صواب ، صون مانده و دلپسندی و پاکیزگی و گیرائی که در سراسر کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» مشهود است از این سرچشمه‌های فیاض مایه گرفته است .

طالع و سرنوشت خوش ، مؤلف را پس از چند سال به حوزه درس سید محمد

طباطبائی مجتهد کامل و آزاده رهنمون شد. معرفت و پاک‌اندیشی و صفای دل میرزا محمد در نظر این بزرگ مرد جلوه بسیار کرد، گرامیش داشت، مهر بانیها فرمود و کرمانی نجیب که خود را مقبول چنین شخصیت بزرگ یافت بر بخت نیک خویش شکرها گفت و مرید آن مراد شد.

سالی که سید محمد طباطبائی به نیت جلوگیری از مخالفت روحانی نمایان مغرض، بانشر علوم جدید، به تأسیس مدرسه اسلام اقدام کرد برای معلمی مدرسه کسی را سزاوارتر از میرزا محمد کرمانی نیافت. سید محمد صادق طباطبائی نجل ارجمند مؤسس مدرسه، مدیر شد و میرزا محمد معلم، و پس از مدتی کوتاه نظامت مدرسه هم به او سپرده شد، و این دو با شوق و ارادت تمام برای جلب توجه مردم به فرهنگ جدید کوششها کردند، دشنامها شنیدند و موارثها چشیدند.

در آن روزگار لقب از لوازم بزرگی و شهرت بود و سید محمد صادق طباطبائی از میرزا علی اصغر خان صدراعظم لقب «ناظم الاسلام» برای او گرفت و این لقب با شغل میرزا محمد (که نظامت مدرسه اسلام بود) مناسبت تمام داشت.

آشنائی ناظم الاسلام با رجال و بزرگان زمان خویش خاصه نیکنامانی که با سید محمد و پسرش رفت و آمد داشتند و خبرهایی که درباره جنبش آزادی خواهی از آنان می‌شنیدوی را بر آن داشت که به نوشتن آن حوادث بپردازد. این اندیشه در ذهنش قوت گرفت و از شب سه شنبه دوم ماه ذی‌حجه ۱۳۲۲ قمری به ثبت آنچه می‌خواند و می‌شنید پرداخت.

ناظم الاسلام چنانکه یاد شد پاک نیت، بی‌غرض، حقیقت‌جو بود. خبرها و شرح وقایع را چنانکه اتفاق افتاده بود یا شنیده بود می‌نوشت و از گزاف‌گویی و غرض‌ورزی و حب و بغض بدور بود.

همزبانی و هم‌نشینی و محرم بودن با سید محمد طباطبائی و پسرش کار وقایع نویسی را بروی آسان می‌داشت زیرا در آن روزهای حادثه راه‌روز جمعی به خانه این دو بزرگ روی می‌آوردند و خبرهای گوناگون می‌گزاردند و با نامه‌های زیادی فرستادند. سید محمد چیزی از ناظم الاسلام پوشیده نمی‌داشت،

حتی بسیاری از نامه‌ها که بدومی نوشتند به‌وی می‌سپرد و میرزا محمد کرمانی پس از مدتی از برکت دسترسی به این منبع سرشار دقتی بزرگ فراهم آورد و در صدد انتشار آن برآمد. اما چون دستش خالی بود انجام این کار برایش میسر نبود. ناچار بر آن شد که بدتدریج منتخبی از آن را به صورت باورقی در روزنامه «کوکب دری» که خود مدیر آن بود به طبع برساند. این کار صورت پذیرفت و مورد توجه قرار گرفت.

اقبال عامه‌وی را برانگیخت که «تاریخ بیداری ایرانیان» را (این نام را برای مجموعه یادداشت‌های خود انتخاب کرده بود) به صورت جزوه‌های هفتگی منتشر کند و ظاهراً از اول سال ۱۳۲۸ به طبع و نشر جزوه‌ها آغاز کرد. هر جزوه شانزده صفحه و پنج ریال بهاداشت. (این مبلغ آن روزها سنگین بود) و از این رو که بیشتر نسخه‌ها در مدتی کوتاه به فروش می‌رسید و نایاب می‌شد می‌توان دریافت که چه اندازه مورد توجه مردم بود.

مطالب این جزوه‌ها مربوط به وقایع بعد از سال ۱۳۲۲ قمری بود و چون در بعضی آنها به حوادثی اشارت شده بود که مردم آشنا نبودند برای رفع ابهام چندین نسخه را به نشر وقایع پیش از سال ۱۳۲۲ اختصاص داد و مجموع آن را «مقدمه تاریخ بیداری ایرانیان» نام نهاد و این، همین کتاب است که پس از انتشار قسمت اول و دوم و سوم (در یک جلد و به عنوان بخش اول) به اهتمام نویسنده و شاعر فاضل علی اکبر سعیدی سیرجانی منتشر شده است.

کتاب «مقدمه تاریخ بیداری ایرانیان» مشتمل است بر شرح وقایع مهم اواخر سلطنت ناصرالدین شاه مانند واقعه رژی - و شرح حال رجال برجسته معاصر مؤلف چون امیر کبیر، سید جمال الدین اسدآبادی، میرز رضا کرمانی، قاتل ناصرالدین شاه، میرزا آقاخان کرمانی، سید احمد روحی، میرزا حسن خبیرالملک، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا ملکم خان، میرزا علی خان امین الدوله، امیر اعظم، مستشار الدوله، سید محمد صادق طباطبائی، ناظم الاطباء، و چند کس دیگر و بسیار مطالب که همه باروش بینی و دقت و صحت تمام فراهم آمده است.

«مقدمه تاریخ بیداری ایرانیان» نیز - چون دیگر کتابهای بنیاد ، با چاپ نفیس و بی غلط ، روی کاغذ خوب ، با صحافی مطلوب به قیمتی بسیار مناسب در دسترس اهل کتاب و دانش پژوهان گذاشته شده است .

خداوند وجود گرامی شهبانوی گرانمایه و دانش پرور ما را محفوظ دارد که با تأسیس چنین سازمان و دستگاهی در حق طبقه کتابخوان مملکت بهترین و بالاترین عنایتها را مبدول فرموده اند ، و به دبیرکل دانشمند بنیاد نیز توفیق دهد که با ابتکارات و نکته سنجی های خاص خویش گذشته از این که تا کنون قریب یکصد جلد از کتابهای نخبه و بسیار نفیس و واجب الانتشار فارسی را انتخاب کرده و دستور چاپ داده است ؛ تحولی بی سابقه نیر در هنر تنظیم و چاپ کتاب های فارسی به وجود آورده است .

\* \* \*

در پایان یادداشت بی مناسبت نمی دانیم چند سطر از مقدمه ای که سعیدی سیرجانی بر کتاب «مقدمه تاریخ بیداری ایرانیان» نوشته است نقل کنیم که انصافاً مقدمه ای بدیع است و لبریز از ریزه کاری های شاعرانه و نکات دقیق و در خورتأمل ، سعیدی در مقدمه اش پس از شرحی که راجع به ناظم الاسلام و تاریخ بیداری نوشته است انگیزه خود را در اتمام به تصحیح و نشر این کتاب بدینگونه توضیح می دهد .

و انگیزه ما در این اقدام دو نکته بود: نخست: تجدید چاپ و بخصوص نشر قسمت های منتشر نشده این تاریخ که به تصدیق اهل فن بی غرضانه ترین و مطمئن ترین منبعی است برای کسانی که می خواهند در علل و حوادث انقلاب مشروطه ایران و وقایع آن روزگاران مطالعه کنند .

مؤلف این کتاب نه چندان در متن حوادث بوده است که غرضها چشم دلش را کور کند و ترس از رسوائی ها یا آرزوی جاه و منصب او را به توجیه واقعات و تحریف حقایق کشاند ، نه چنان سطحی و بی خبر بوده و دستی از دور بر آتش داشته است که تماشاگر جز خوان حوادث باشد . با مطالعه مجلد سوم این تاریخ خواننده نکته سنج روحیات نویسنده را خود به روشنی درک خواهد کرد و بی بدین واقعیت خواهد برد .

نکته دوم بیان سهم همشهریان من است در انقلاب مشروطه ایران ، با توجه به بی نصیبی آنان در به مشروطه رسیدن‌ها . تاکنون سهم تبریزی‌ها و اصفهانی‌ها و گیلانی‌ها به‌همت همشهریان‌شان - که از بالای درویش مسلکی و گذشت تنبلانه کرمانی‌ها در امان بودند - در انقلاب ایران روشن شده و اگر اندیسمان هم . و حال آنکه مردم کرمان به فکر قلم و قدم در راه تحقق این نهضت تلاش کردند تلاش پراثر و تند و سر بر بادده ، اما چون پس از استقرار نظام جدید کسی از ایشان به منصبی نرسید اهل قلم و تاریخ نویسان هم - که باری از د بانی روزگار ، اند - تن به زحمت بی مزد و منت ندادند .

#### در حاشیه همین صفحه می نویسد :

« این نکته عجیب محل تأمل و شایسته تحقیق است که استان پهناور کرمان با مردمی که هوش و استعدادشان مورد اتفاق جامعه شناسان است در کابینه‌های متعدد دوره مشروطه رئیس الوزرا که هیچ ، حتی يك وزیر هم نداشته است . این ایالت عظیم هنوز يك استاندار محلی به خود ندیده است ، و نود درصد کسانی که از طرف مردم کرمان عنوان نمایندگی در شورا و سنا داشته‌اند کرمانی نبوده‌اند و شهر ما - سیرجان - در ۲۳ دوره قانون گذاری يك دوره هم نماینده محلی نداشته است .

و به راستی دو نکته‌ای است در خود تأمل .

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی